

Jaafrah Talebi's migration to Egypt from the second century of Hijra;

Investigation of causes and consequences

Mohammad Reza Heydari Khorasani ¹ | Ibrahim Toba Yani ²

(DOI): [10.22034/MTE.2024.19565.1856](https://doi.org/10.22034/MTE.2024.19565.1856)

Abstract^r

Original Article

P 89 - 112

Migration strategy is a practical and repeatable model to get out of the pressure environment and with many benefits and goals, it is among the desirable and positive and recommended strategies in the Qur'anic literature. Also, in the life of the Prophet and the experience of Muslims at the beginning of Islam, it was a fateful and useful decision, and studying its various aspects for today's society can also be an executive solution and a liberating element for the densely populated cities of Iran and the world. This article, using the analytical descriptive method and relying on historical library sources, seeks to investigate the aspects of the migration strategy in the historical experience of Jafar Tayar's children, in order to clarify the historical dimensions of Jaafra's migration problem, and to achieve this goal in the next steps to be able to extract a native model from the causes and consequences of historical migrations and have plans and solutions according to our current situation.

This research finds one of the most important causes of Jaafrah Talebi's migration to Egypt to be the ethnic conflicts with Hassani's cousins in Medina, the presence of a closed environment in terms of parties, the lack of freedom in the pressure environment of numerous tribes, and a closed and heavy political environment are also other reasons. Obtaining open space to take initiative and progress in various fields, especially agriculture and livelihood, is one of the goals that brought them to the settled areas along the Nile in Upper Egypt. Among the cultural results of Jaafrah Talebi's migration and settlement in the southern regions of Egypt, we can mention the buildings and centers built by him, creating distinction according to Hashemiteness and attracting the attention of all settled tribes and mixing with them. Among the scientific results of this migration are many scientists from the generation of Jafar Tayar who lived in different parts of Egypt. In the economic field, migration for Jaafra has led to the prosperity of trade and agriculture, and in the military field, it has created successful cooperation with the neighboring tribes and governments.

Key words: Jaafra Talebi Egypt, migration, results of migration, consequences and causes of migration, Jafar Tayar

1 - Master's degree in the Department of Islamic History, Bagheral Uloom University, Qom, Iran.
angel23121376@gmail.com

2 - Associate Professor, Department of Communication, Bagheral Uloom University, Qom, Iran

Received: 2024/10/10 | Accepted: 2024/10/26



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

مهاجرت جعفره طالبی به مصر از قرن دوم هجری؛ بررسی علل و پیامدها

محمد رضا حیدری خراسانی^۱ (نویسنده مسئول) | ابراهیم توبه یانی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2024.19565.1856](https://doi.org/10.22034/MTE.2024.19565.1856)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۱۲/۸۹

چکیده^۳

راهبرد مهاجرت یک الگوی کاربردی و تکرار پذیر برای خروج از محیط فشار و با فواید و اهداف متعدد است؛ در ادبیات قرآن جزو استراتژی‌های مطلوب و مثبت و توصیه شده است. همچنین در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و تجربه‌ی مسلمانان صدر اسلام، یک تصمیم سرنوشت‌ساز و مفید بوده است. مطالعه‌ی ابعاد مختلف آن، برای جامعه امروز نیز می‌تواند یک راه‌کار اجرایی و عنصر رهایی بخش برای شهرهای پر جمعیت ایران و جهان باشد. مقاله‌ی حاضر، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تاریخی به دنبال بررسی وجوه راهبرد مهاجرت در تجربه‌ی تاریخی فرزندان جعفر طیار است، تا علاوه بر روشن کردن ابعاد تاریخی مسأله‌ی مهاجرت جعفره، این هدف را نیز محقق کند، که در قدم‌های بعدی بتوان الگویی بومی از علل و پیامدهای مهاجرت‌های تاریخی استخراج کرده و طرح‌ها و راه‌کارهایی مطابق با وضعیت امروز ما داشته باشد.

این تحقیق یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت جعفره طالبی به مصر را درگیری‌های قومی با عموزادگان حسنی در مدینه می‌داند، وجود فضای بسته از جهت حزبی، عدم آزادی در محیط فشار قبایل متعدد و فضای بسته و سنگین سیاسی نیز از دیگر علل هستند. به دست آوردن فضای باز برای به دست گرفتن ابتکار عمل و پیش‌رفت در عرصه‌های مختلف به خصوص زراعت و معیشت، از جمله اهدافی است که ایشان را به مناطق آباد حاشیه‌ی نیل در صعيد مصر کشاند. از نتایج فرهنگی مهاجرت

۱ - کارشناسی ارشد گروه تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران angel23121376@gmail.com

۲ - دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران abraham.tobeyani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵



و اسکان جعفره طالبی در مناطق جنوبی مصر، می‌توان به ابنیه و مراکز ساخته شده به دست ایشان، ایجاد تمایز به حسب هاشمی بودن و جلب توجه عموم قبایل مستقر و درآمیختگی با ایشان اشاره کرد. از جمله نتایج علمی این مهاجرت دانشمندان متعددی از نسل جعفر طیار هستند که در نقاط مختلف مصر، زیسته‌اند. مهاجرت برای جعفره، در زمینه‌ی اقتصادی باعث رونق تجارت و کشاورزی شده و در عرصه نظامی، هم‌کاری‌های موفق‌تری را با قبایل و حکومت‌های حوالی خود ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها: جعفره طالبی، مصر، مهاجرت، نتایج مهاجرت، پیامدها و علل مهاجرت.

مقدمه

فرزندان و نوادگان حضرت جعفر بن ابی‌طالب^(ع) به‌صورت عموم، از نسل عبدالله فرزند ایشان هستند و تا به امروز ادامه‌ی حیات داده‌اند. بسیاری از جعفریان در میانه‌های تاریخ و منابع گم شده‌اند و یا حتی خودشان نیز به حسب استبعاد زمانی و جغرافیایی، نسب خود را کنار گذاشته و یا فراموش کرده‌اند. جعفریان به‌عنوان ادامه‌دهندگان یکی از شاخه‌های اصیل بنی‌هاشم، پیوند عمیقی با تفکرات و پیشینه‌ی خود را در رفتار خود بروز داده و در هر نقطه‌ای انعکاسی از نسب و نیاکان خود، به‌صورت بزرگ زادگانی شریف بوده‌اند. بررسی زندگانی جعفریان و نوع عمل کرد ایشان در قرون مختلف از جهتی نشان دهنده‌ی بقای نسل جعفر و ادامه یافتن زندگی اولاد جعفر است، اما از جهت دیگر، هر وجهه‌ای از تعاملات، مناسبات و زندگی ایشان که مورد تحقیق پژوهش‌گران معاصر واقع شود، روشن‌کننده‌ی الگو رفتاری و کامل‌کننده‌ی تجربه‌ی زندگی جمعی این طایفه است، که این هم می‌تواند به سهم خود مساله این پژوهش باشد؛ چرا که نوادگان ایشان هنوز هم در دوران معاصر جایگاه و نقش برجسته‌ای دارند، اگر بپذیریم که شناخت پیشینه‌ی هر قوم، مقدمه تعامل با ایشان است.

یکی از جهات قابل بررسی هر قوم و گروهی برای شناخت و برداشت از تجربه‌ی ایشان، مطالعه‌ی مسافرت‌ها و مهاجرت‌های ایشان، علل، پیامدها، اهداف، راه‌کارها و روش‌های به‌کار گرفته شده در راستای این مهاجرت است. یکی از مسایل این تحقیق نقش آفرینی در کلان مساله «الگو مطلوب مهاجرت» است؛ الگوی مهاجرت در تاریخ اگر به‌صورت یک پازل کامل، پیوسته و با لحاظ همه‌ی تجربه‌های تاریخی ارایه شود، می‌تواند برای وضعیت موجود شهرهای متراکم ایران و جهان به‌صورت یک تجربه و ایده‌ی از پیش آزموده مفید و عبرت‌آموزش باشد.

مهاجرت، در طول تاریخ همیشه یک تصمیم تلخ و شیرین بوده است؛ چرا که عموماً تغییر زیر

ساخت‌ها و به هم ریخت وضع موجود را به دنبال و در پی دارد، ولی اگر این تصمیم به درستی اتخاذ شود، در واقع به هم ریختن نظم موجود برای رسیدن به نظم نوین است. الگوی مهاجرت، راه نجات شهرهای پر جمعیت برای رشد مهاجرت معکوس است، لکن قبل از اجرای طرح باید از تمامی متخصصان محتوای علمی و تجربه‌های گذشته جمع‌آوری و تحلیل شود.

مهاجرت، یک الگوی کاربردی و تکرار پذیر برای خروج از محیط فشار و با فواید و اهداف متعدد است؛ در ادبیات قرآن جزو استراتژی‌های مطلوب و مثبت بوده و توصیه شده است. مطابق آیه ۴۱ سوره نحل، برای هجرت کنندگان در راه خدا، وعده جایگاه نیکو و آسایش در دنیا و اجر بزرگ‌تر در آخرت داده شده است: «و آنان که در راه خدا مهاجرت کردند، پس از آن که ستم‌ها کشیدند. ما در دنیا به آن‌ها جایگاه آسایش و نیکو می‌دهیم در صورتی که اگر بدانند اجری که در آخرت به آن‌ها عطا خواهیم کرد بزرگ‌تر است.» (نحل / ۴۱)

استراتژی مهاجرت، در قرون مختلف توسط نسل‌ها و خاندان‌های متعدّد منتسب به جعفر طیار، بارها به دفعات تکرار شده است و این مقاله به بررسی و تبیین الگوی مهاجرت و روشن کردن تجربه‌ی تاریخی این گروه با تکیه بر علل و پیامدهای مهاجرت، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتاب‌خانه‌ای تاریخی می‌پردازد. پژوهش حاضر، در صدد جست‌وجوی نتایج مهاجرت جعفر از مدینه به مصر و به‌طور عموم، از قرن سه تا شش است. از جمله دستاوردهای این تحقیق، روشن کردن نتایج مثبت و منفی مهاجرت یاد شده، در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی، اقتصادی و نظامی است. هم‌چنین مهاجرت جعفر طالبی را در ادامه‌ی هجرت جعفر طیار به حبشه می‌داند و در بخشی، مختصر به این موضوع و مؤیدات آن نیز، می‌پردازد.

از جمله تحقیقات معاصر نزدیک به موضوع این مقاله، کتاب «شیعه در مصر از امام علی^(ع) تا امام خمینی^(قدس سره)» است، که به موضع جعفر در ذیل موضوع کلی شیعه پرداخته است و ایشان را در ابتدای حضور در مصر شیعه دانسته و در زمان خود بقایای ایشان را صوفی می‌داند و تمایزی بین جعفر طالبی و صادقی قایل نمی‌شود. در محتوا نیز تقارن‌های محدود و اتفاقی با مقاله حاضر یافت می‌شود. مقاله‌ی «آگاهی‌هایی درباره‌ی تشیع در صعيد مصر در سده هفتم هجری، بر اساس کتاب «الطالع السعيد»، اثر کمال الدین ادفوی» نیز به توصیف کتاب مذکور پرداخته و کم‌تر پیرامون جعفر و مهاجرت ایشان تمرکز دارد. هم‌چنین «مقاله‌ی گرایش‌های شیعی در مصر تا میانه‌ی سده سوم هجری، نوشته مهدی جلیلی» و «کتاب تاریخ الشیعه نوشته محمد حسین مظفر» نیز اشاراتی به مساله مهاجرت دارند، که به‌صورت کلی، این آثار را مستحق ذکر در بخش پیشینه می‌کند.

۱. توضیح مفاهیم

هجرت و مهاجرت: در لغت‌نامه دهخدا، هجرت به «ترک وطن و دوری از خانمان و مفارقت یاران و دوستان» تعریف شده است و در دانش‌نامه اسلامی نیز، هدف از آن رسیدن به کمال یا گریز از موقعیتی است، که مزاحم کمال انسان در آن حضور دارد.

جعافره: در محتوای پیش رو و هم‌چنین در محتوای کتاب‌های مرجع، دو عبارت «زیانبه» و «جعافره» درباره‌ی فرزندان جعفر طیار به کار رفته است. عبارت جعافره در لغت، برای منسوبان به جعفر اعم از جعفر طیار است، ولی در استعمال این مقاله و دیگر منابع عرب زبان، به‌طور عموم، برای فرزندان جعفر طیار استفاده می‌شود. زیانبه نیز به حسب ازدواج عبدالله بن جعفر با حضرت زینب^(س)، به فرزندان عبدالله که عملاً بیش‌تر نسل جعفر طیار را شکل می‌دهند، اطلاق می‌شود. در هر صورت در عمل جعافره و زیانبه یک منظور واحد را منتقل کرده است و در منابع هم شی واحد تلقی شده‌اند. (سخاوی، ۱۴۰۶: ۱۹۸)

۲. پیشینه‌ی فکری الگوی هجرت

هجرت جعفر به حبشه از وقایع معروف تاریخ صدر اسلام است و شاید کم‌تر نیاز به توضیح جزئیات آن باشد. وی سردمدار مسلمانان در هجرت به حبشه بود (طبری، بی‌تا: ج ۲، ۲۹۴؛ مقدسی، بی‌تا: ج ۴، ۱۵۰) و تا زمان هجرت پیامبر^(ص) به مدینه، در آن‌جا ماند. (زرکلی، ۱۹۸۹: ج ۲، ۱۲۵) پانزده سال در حبشه اقامت داشت و سه تن از فرزندان او در حبشه به دنیا آمدند. (ابن اسحاق، ۱۴۱۰: ۲۶۶) اهمیت و جایگاه و میل به جعفر در جهان اسلام به قدری بود که دیگران در جهان اسلام درباره‌اش، کتاب نوشته‌اند. نوشتن کتاب مخصوص به نام «فضایل جعفر بن ابی‌طالب» نوشته علی بن محمد المدائنی از جمله آن‌ها است. (ابوعبید، ۱۴۱۰: ۱۱۴) ضیاء الدین مقدسی از عالمان حدیث و مورخان دمشق نیز کتابی با عنوان «مناقب جعفر بن ابی‌طالب» در کارنامه کثیرالکتاب خود دارد. (زرکلی، پیشین: ج ۶، ۲۵۵)

اما آن‌چه که بیش‌تر به موضوع این تحقیق مربوط می‌شود، ناحیه حکمرانی نجاشی است. منطقه‌ای که جعفر به آن، مهاجرت کرد و ذیل حکومت نجاشی در آن سکنا گزید. در واقع در مجاورت ناحیه نوبه و بخشی از منطقه صعید مصر بود. (طبری، پیشین: ج ۲، ۶۸) محدوده‌ای که بعدها نوادگان جعفر، نقطه کانونی مهاجرت خود را همین منطقه قرار داده و حیات سیاسی و اجتماعی خود را در آن ادامه دادند. (ناصری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۸۸)

شاید مشاهدات و تجربه‌ی مثبت مسلمانان در این منطقه، پس از بازگشت نزد دیگر، مسلمانان مدینه، دهان به دهان چرخیده و در دهه‌های آتی باعث بازگشت نسل‌های بعدی به این منطقه شده؛

چرا که به سبب حاکمیت نجاشی، این منطقه از امنیت و آرامشی برخوردار بود و تجربه‌ی مساعدی را برای چند تن از هاشمیانی که در این سفر حضور داشتند به‌جای گذارده بود. (طبری، پیشین: ج ۲، ۷۰؛ ابن اسحاق، پیشین: ۲۱۴ و ۱۷۶) از دیگر، اتفاقات دل‌نشین و مثبت برای مسلمانان، خطابات جعفر مقابل نجاشی درباره جاهلیت عرب و اصلاحات رو به رشد اسلام بوده است، که قانع‌کننده واقع شده و باعث تثبیت مسلمانان در این منطقه شد. (حمیری، ۱۹۶۳: ج ۱، ۲۲۱ و ۲۲۸؛ مقدسی، پیشین: ج ۴، ۱۵۲) آن‌چه را گذشت، می‌توان مرحله‌ی نخست یا مقدمه‌ی حضور فرزندان جعفر در مصر دانست؛ چرا که تجربه‌ی این مهاجرت در ذهن فرزندان جعفر باقی بود و پیشینه‌ی فکری‌ای برای خروج اضطراری از جزیره العرب به سمت سرزمین‌های غربی به حساب می‌آمد. از جمله فرزندان متولد در مصر، می‌توان به عبدالله اشاره کرد که در حبشه متولد شد. (بالذری، ۱۳۹۷: ج ۲، ۴۴) به تعبیر واقدی «در واقع، آن‌ها نخستین طالبیان متولد بلاد نوبه‌اند، که سنگ بنای کوچ به مصر را نهادند. این آشنایی زمینه ساز حضور عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب^(ع) در میان سپاهیان فاتح مصر بود.» (واقدی، بی‌تا: ج ۲، ۴۶) و به دنبال آن، در کوچ طالبیان به مصر هم بی‌تاثیر نبود؛ چرا که حضور دوباره وی در مناطق غربی جهان اسلام به‌عنوان بزرگ‌خاندان جعفری، چه بسا آشنایی ذهنی و حافظه تاریخی جعفره طالبی را به این منطقه برای مهاجرت سوق می‌داد.

هم‌چنین از جهت دیگر، در بیان پیشینه‌ی فکری: در سیره پیامبر اکرم^(ص) و رفتار مسلمانان صدر اسلام، مهاجرت یک تصمیم سرنوشت ساز و مفید بوده است و از مهم‌ترین مصادیق آن هجرت پیامبر اسلام^(ص) از مکه به مدینه است، که پایه حکومت اسلامی را بنا نهاد. آقای محسن قرائتی در تفسیر آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال،^۱ ایمان واقعی را در هجرت، جهاد، پناه دادن و یاری رساندن مسلمانان مجاهد، بروز یافته می‌داند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۸، ۲۱۴) به‌صورت کلی دعوت به مهاجرت و تشویق به آن، در تفکر اسلامی، به شکلی نهادینه شده بود، که در موقعیت لازم به‌عنوان یک ایده‌ی مطلوب، مورد استفاده جعفره طالبی، قرار گرفت. هم‌چنین مهاجرت در رفتار حکومت‌های اسلامی بعد از دوران صدر اسلام نیز، بروز و ظهوری روشن داشت و از مهاجرت به‌عنوان یک راهبرد برای برون رفت از شرایط نامناسب و تغییر معادلات به نفع خود استفاده می‌شده است. به‌صورت اجمال برای اثبات نهادینه بودن الگوی مهاجرت در فکر مسلمانان، اشاره می‌کنیم به عمل کرد حکومت ادریسیان که پس

۱ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و آن‌ها که پناه دادند و یاری کردند، مومنان حقیقی و راستین هستند. آموزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آن‌ها است. (انفال / ۷۴)

از چند سال استقرار در شهر ولیلی، به علت رونق امور و افزایش جمعیت و همچنین نفوذ و دخالت قبیله ولیلی و ایجاد خلل در اداره‌ی امور، شهر فاس را بنا نهاد و به کلی با تمام اقتضائات حکومت به این شهر هجرت کرد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۸) این مهاجرت منجر به یک حکومت سیصد ساله در مغرب اقصی و در محدوده مراکش کنونی شد، که یکی پس از دیگری روی کار آمدند. (همان، ۱۹)

۳. جغرافیای منقطه‌ی محل سکونت جعفره در مصر و مغرب

محدوده کلی اسکان‌پذیری اولیه جعفره منطقه‌ی صعید مصر است و از میان محدوده وسیع منطقه صعید مصر به صورت جزئی بیش‌تر در شهر اسوان سکونت گزیده‌اند، که در نواحی جنوبی مصر و جنوب شهر قاهره قرار دارد. مصر به لحاظ جغرافیایی شامل دو قسمت علیا و سفلی است. مراد از مصر سفلی (بر خلاف آن‌چه ممکن است به طور منطقی حدس زده شود) قسمت ساحلی مدیترانه است و مصر علیا یا صعید از جنوب قاهره تا شهر اسوان امتداد دارد. (المقدسی، پیشین: الف، ۲۰۳) بخش بندی به علیا و سفلا بر اساس رود نیل و با توجه به جریان آن انجام شده است.

اسوان شهری بزرگ در جنوب مصر و اولین بلاد نوبه در شرق رود نیل است. (حموی، ۱۹۷۹: ج ۱، ۱۹۱؛ یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۷۲) منطقه صعید مشتمل بر صعید علیا (استان‌های قنا و اسوان)، صعید سفلی و صعید ادنی است. (رمزی، ۱۹۹۴: ج ۴، ۲۱۶) به تصریح مقریزی تا سده هفتم هجری نسل‌هایی از فرزندان جعفر بن ابی طالب در منطقه‌ی اشمونین مصر نیز سکونت داشته‌اند. (مقریزی، ۱۴۲۲: ب)، ج ۱، ۴۴۲) اشمونین از بزرگ‌ترین شهرهای منطقه‌ی صعید مصر و بنا شده به دست اشمون از نوادگان حضرت نوح^(ع) معرفی شده است. (همان، ۴۴۱) از دیگر نقاط سکونت جعفره در مصر می‌توان به قنا، اسنا و اسیوط اشاره کرد. (زبیدی، ۲۰۱۲: ۱۰۲)

از جمله مناطق دیگر مغرب، که جعفره در آن، با جمعیت کثیری گزارش شده‌اند منطقه الدویم واقع در سودان کنونی و در حاشیه غربی نیل است، این منطقه مناسب برای کشتیرانی بوده و به نظر می‌رسد جعفره در مراحل بعدی مهاجرت خود در سده‌های پس از قرن ۴ هجری در این منطقه منتشر شده‌اند. (کرکوی، ۱۳۳۲: ۳۴۵) به غیر از منطقه مصر، نشانه‌هایی از جعفره طالبی، در مناطق متعدد دیگر جهان اسلام نیز، یافت می‌شود که نشان از مهاجرت گسترده‌ی این طایفه و میل و آمادگی ذاتی روحیه‌ی ایشان در این راستا دارد. تعمیق در این موضوع، تحقیق مستقلی را اقتضا می‌کند لکن به مناسبت در این مقاله بخشی برای توصیف مناطق دیگر، گزینش شده برای مهاجرت از سوی جعفره طالبی اختصاص داده شده و اجمالا به جغرافیای سکونت آن‌ها در دیگر نقاط خواهیم پرداخت.

۴. علل مهاجرت جعفره طالبی از مدینه به مصر

موج اصلی مهاجرت جعفره به مصر در قرن دوم هجری روی داد و شاخص‌ترین علت این مهاجرت، نزاع و تفرقه در میان آنان با خویشاوندان علوی شان بود که عمدتاً به واسطه امویان شکل می‌گرفت. سیاست‌های امویان برای رسیدن به هدف حکومت و تسلط بر گروه‌های چندبخشی و متنوع، به‌ویژه گروه‌های مخالف و منتقد حاکمیت، تفرقه افکنی و ممانعت از اتحاد و همسویی آن‌ها بود این سیاست درباره جامعه هاشمیان با دقت و شدت بیش‌تری اجرا شد؛ چنان‌که امویان با تفرقه افکنی در بین هاشمیان موجب نزاع و چند دستگی میان آنان شدند. بالا بردن حسنین توسط ولید بن عبدالملک و ازدواجش با «نفیسه» دختر زید بن حسن^(ع) (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ج ۲، ۷۱؛ ابن سعد، بی‌تا: ج ۵، ۳۱۸) هم‌چنین تظاهر سلیمان بن عبدالملک به دل‌جویی از حسینیان، پایه‌های اختلاف و تفرقه را در میان علویان و هم‌تباران شان بنا نهاد. در پی سیاست‌های ولید حسنین به کانون قدرت نزدیک‌تر شدند (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۴۷) و اختلاف داخلی میان دو گروه بیش‌تر شد. درگیری‌های متعدد لفظی و فیزیکی میان ایشان از مهم‌ترین علل مهاجرت جعفره از مدینه است. (ناصری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۹۴) در پایان کار وضعیت چنان شد که شرفای جعفره ناچار به ترک دیار شدند و برای دور ماندن از نزاع و درگیری با خویشان حسنی و دولت اموی، به صعید مصر پناهنده شدند و در حدود منطقه اسوان استقرار یافتند. (رمزی، ۱۹۹۴: ج ۴، ۲، ۳۲؛ القلقشندی، بی‌تا: (ب)، ج ۱، ۳۵۹)

با نگاهی دیگر می‌توان، به غیر از اختلافات داخلی میان علویان و هاشمیان، دلیل دیگری را نیز در دوره امویان پس از یزید بن معاویه یافت، حسنین نسبت به خویشان حسینی و جعفره در وضعیت مساعدتری قرار داشتند و توانسته بودند زیر پوشش تقیه، به راه‌کارهایی برای تعامل با دولت دست یابند. (لنشی، ۱۳۹۹: ۱۰) در نتیجه گروه دیگر که کم‌تر مورد توجه دولت بود، روز به‌روز بیش‌تر به حاشیه می‌رفت و در مناسبت‌های مختلف عایدی‌های کم‌تری به دست آورده بود. گزارش‌های متعددی درباره درگیری حسنین با جعفریان در مدینه وجود دارد که یکی از آن‌ها به وضوح به مساله املاک و سلب زمین‌های جعفره در اثر این درگیری‌ها اشاره دارد. (اوپنهایم، ۲۰۰۷: ج ۲، ۵۸۶) از جمله منطقه ذوائیل وادی کثیرالنخلی در نزدیکی بدر که برای بنی جعفر بود و هم‌چنین چشمه آبی متعلق به ایشان داشت. (حموی، پیشین: ج ۱، ۹۴) در چنین شرایطی مهاجرت می‌تواند تصمیم نجات‌دهنده و آینده‌سازی باشد. بر اساس بررسی سنگ قبرهای قبرستان قرافه، از آغاز سده دوم قمری جمعیت علویان در مصر رو به فزونی بوده است. طبق این بررسی‌ها وجود کتیبه‌های درود بر پیامبر اکرم^(ص) و خاندان پاک و مطهر او صلوات روی سنگ قبرها، نشانه شیعی بودن متوفیان دانسته شده است. (لنشی، پیشین: ۱۰)

با نگاهی به زندگی اجتماعی دو گروه حسنی و جعفری در مدینه و پیش از بالا گرفتن اختلافها، می‌توان رگه‌هایی از اختلاف را به‌طور مشخص در مصداق ازدواج میان خاندانی شناسایی کرد و به نظر می‌رسد سعی می‌شده زنان خاصی در میان خاندان باقی بمانند و به ازدواج دیگر رقبا نروند. (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۳۸) در هر صورت پس از بالا رفتن سطح اختلافات، به سبب جنگ‌هایی که بین جعفره و حسینیان در مدینه شکل گرفت عده زیادی از جعفره به مصر مهاجرت کردند. (اوپنهایم، پیشین: ج ۲، ۵۸۶) (در میان مهاجران به مصر جعفره صادقی نیز به چشم می‌خورند که در بخش «نتایج فرهنگی اجتماعی مهاجرت» به آن پرداخته شده.) نبردهای بنی‌الحسن و فرزندان جعفر کشته شدگانی را به خود اختصاص داده که اسامی ایشان در کتاب‌های شخصیت نگاری ثبت شده است و در مدینه موضوع شناخته شده‌ای بوده است. (اصفهانی، ۱۹۶۵: ۴۷۳) البته لازم به ذکر است که جعفره در مدینه با حسینیان نیز، حداقل در برهه‌هایی از زمان مناسبات دوستانه‌ای نداشته‌اند. مقریزی ریاست مدینه را بین فرزندان حضرت امام زین‌العابدین^(ع) و بنی جعفر بن ابی‌طالب^(ع) در آمد و شد به تصویر می‌کشد تا جایی که بنو حسین در این کشمکش غالب شده و بر امور مدینه تسلط یافتند. (المقریزی، ۱۴۲۳: (ب)، ج ۱، ۵۶۱)

۵. بررسی اجمالی الگوی مهاجرت جعفره در نقاط دیگر جهان اسلام به غیر از مصر

در این بخش به مناسبتی به بیان اجمالی دیگر مناطق (یافت شده در منابع) که جعفره طالبی غیر از مصر به آنجا مهاجرت کرده‌اند، می‌پردازیم. نتیجه این بخش، اثبات و روشن کردن الگوی پر تکرار مهاجرت در رفتار نوادگان جناب جعفر ابن ابی‌طالب^(ع) است که جدا از مصر به نواحی متعدد دیگری نیز، مهاجرت کرده‌اند.

منطقه وجده در مراکش کنونی یکی از محدوده‌های جغرافیایی است که در حدود سال ۱۰۶۰ هجری، جعفره در آن می‌زیسته و توسط مولی محمد مورد حمله قرار گرفتند و اموال شان غارت شد. (مشرقی، ۲۰۰۵: ج ۱، ۱۹۹) مولی محمد از بنیان‌گذاران دولت علویان است، که پس از بنی مرین و دولت سعدیین روی کار آمد (همان، ۱۹۲) و تا کنون نیز در مراکش پادشاهی می‌کنند. در موریتانی نیز جعفره طالبی در قالب مهاجران بنی معقل در حدود قرن شش و پس از آن شکل‌گیری بنو حسان حضور پر رنگی داشته‌اند و البته علایق شیعی خود را تا کنون نیز در بلاد شنقیط ادامه داده است. (پاک‌آیین، ۱۳۹۰: ۱۱۴) از دیگر مناطق مغرب که پذیرای حضور و مهاجرت جعفره بوده، سودان در جنوب مصر است، که تا کنون نیز، نسل‌هایی از

ایشان نسب خود را به یاد می‌آورند. (رمضانی گل‌افزانی، ۱۳۹۰: ۲۸)

عشیره «العبدلیه» منسوب به عبدالله نیز در عراق سکونت داشتند. (الغزالی المحامی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۲۵۹) و طایفه آل عکاب نیز از جعفره منتسب به جناب جعفر بن ابی طالب^(۴) در موصل هستند. (الطیار، ۱۴۱۹: ۲۶۵) اما خارج از محدوده‌ی مغرب و آفریقا، شام نیز اقوامی از فرزندان جعفر بن ابی طالب را در مناطق مختلفی از خود جای داده است. (القلقشندی، بی‌تا: (ب)، ج ۱، ۴۱۴) قبایل جعفره هم در تکریت وجود دارند، که البته ابهاماتی در انتساب ایشان به جعفر طیار وجود دارد. (همان) همچنین در حلب سوریه‌ی امروزی در ۸۰۰ هجری، فرزندان جعفر در جامع اموی کرسی وعظی داشته‌اند. (فاسی، ۱۴۱۹: ج ۶، ۲۶۵) در شهر حماد سوریه نیز عده‌ای زیادی به جعفره معروفند و معتقدند: از نسل جعفر بن ابی طالب هستند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ج ۷، ۲۶۷)

در محدوده‌ی ایران یا جعفره اهواز، از اقوام قدیمی هستند که متفرق شده و به علت عدم وجود تمرکزی شناخت ایشان سخت است. (مانع، ۱۴۲۸: ۵۸) جعفره طالبی قزوین نیز، در این منطقه سکونت قدیمی و موفق‌تری همراه با نفوذ قدرت بالا و حکمرانی داشتند. (ورجاوند، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۳۴) به‌گونه‌ای که در اواخر قرن چهارم و همچنین قرن پنجم، شش نفر از خاندان ایشان پشت به پشت، به حکمرانی رسیده و همه، در محیط عموماً سنی مذهب قزوین، شیعه بودند. (جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۹۱: ج ۲، ۲۸۲) ناصر خسرو قبادیانی، در سفر به قزوین دوران حکومت یکی از ایشان را درک کرده است. (القبادیانی المروزی، ۱۹۸۳: ۳۸) خاندان جعفری از اصیل‌ترین خاندان‌های علمی شیعه و دارای عالمان متعدد و دانشمندان پرکاری بوده است (نجفی، بی‌تا: ۲۲۰) که ذکر جزئیات آن در این مجمل نخواهد گنجید و چندین مقاله‌ی مفصل را در وجوه مختلف زندگی ایشان می‌طلبد.

همچنین در داخل جزیره العرب فرزندان جعفر به غیر از مدینه، ساکن خیبر (شدمی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۵۸)، احسا (مغیری، بی‌تا: ۱۵۵) و ملل (یعقوبی، پیشین: ۱۵۲) نیز، بودند و یمن در اوایل قرن سیزدهم هجری خاطراتی از ایشان را در خود جای داده است. (جاسر، بی‌تا: ج ۱، ۱۶۳؛ میر سلیم، ۱۳۷۵: ج ۲۹، ۳۰۲) ایشان منطقه‌ی صیبا در یمن را مرکزی برای کنش‌های سیاسی - نظامی خود قرار داده بودند. (زرکلی، پیشین: ج ۷، ۳۰۵) جعفره، در منطقه‌ی ودان نیز سکونت داشته‌اند، مزارع زیاد، عشیره و اتباعی داشتند. لکن ودان اسم مشترکی بین ودان لیبی با ودان در عربستان است. (حموی، پیشین: ج ۵، ۳۶۵؛ اوپنهایم، پیشین: ج ۲، ۵۸۶) در بغداد هم منطقه‌ای به نام جعفره وجود داشته است. (عمری، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۳؛ رجایی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۷۵)

۶. نتایج و پیامدهای مهاجرت جعفره

جعفره، در مدینه طایفه‌ای شناخته شده، با جایگاه اجتماعی فعال و آمد و شد فراوان بودند. عده‌ای از ایشان متولی خیبر یا امیر مدینه بودند. (شد قمی، پیشین: ج ۱، ۱۸۱) اما به هر حال به حسب فتنه بزرگی که میان ایشان و علویان شکل گرفت، مدینه را ترک کردند و به دنبال آینده خود در مصر، راه مهاجرت را پیش گرفتند. این تحقیق در ادامه، به نتایج به‌طور عموم، مثبت و بعضی موارد منفی این مهاجرت می‌پردازد.

۱.۶. نتایج فرهنگی اجتماعی

حضور جعفره، در این منطقه‌ی دور نیز تهدیدی برای امویان به حساب می‌آمد؛ چرا که برخی از قبایل عربی ساکن مصر نیز، که دوست‌دار هاشمیان بودند، به آن‌ها پیوسته بودند. (رمزی، پیشین: ج ۴، ق ۲، ۳۲) به مرور زمان، اوضاع و شرایط به سمت شناخته شدن بیش‌تر ایشان در این منطقه و به اصطلاح جا افتادن جعفره در محیط عمومی مصر پیش می‌رفت. ابن خلدون در بیان نسب قبیله‌ای، توضیح می‌دهد، که ایشان ادعای انتساب به جناب جعفر بن ابی‌طالب^(ع) را دارند و سپس این ادعا را رد می‌کند. (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۶، ۷۸) چنین تلاش‌ها و تمایل‌هایی از سوی دیگر، گروه‌ها جهت انتساب خود به جعفره طالبی مصر نشان از جایگاه حداقل معنوی ایشان و در عمل پیش‌رفت اجتماعی و آینده رو به رشد این خاندان منتسب به پیامبر اکرم^(ص) در مصر داشته است.

تا پایان سده‌ی دوم، شیعیان مصر در شمار اقلیت‌های قابل توجه بودند و در فرایند شهر پذیری و تعامل با دیگر اقوام و گروه‌ها، گروهی سازگار و تاثیر گذاری بوده‌اند. (لنشی، پیشین: ۱۰) به نظر می‌رسد که جعفره، حتی در ابتدای ورود به مصر نیز با چالش‌های طبیعی و مورد انتظار مهاجرت هم‌چون انزوا، حاشیه نشینی و غربت مواجه نشدند و به راحتی در مرکز شهر اسوان و بعدها در دیگر شهرهای منطقه‌ی صعید مصر سکنی گزیده‌اند؛ چرا که ابن خلدون در ضمن استدلالی اشاره می‌کند که اینان ذاتا اهل بادیه نبودند. (ابن خلدون، پیشین: ج ۶، ۷۸) فاصله گرفتن از اشباع مدینه و ایجاد تمایز در مصر نیز، از جمله نتایج فرهنگی این مهاجرت بزرگ بود. عبد الملک عصامی شافعی نویسنده عرب زبان معاصر، در تحلیلی تصریح می‌کند که شرف جعفره، در مدینه‌ی آن روز، قابل مقایسه با جایگاه و شرف فرزندان حضرات امام حسن مجتبی^(ع) و امام حسین^(ع) نبوده است؛ چرا که عده‌ای از جعفره، حتی شرفی از انتساب به حضرت زینب کبری^(س) نمی‌برند و صرفا همانند عباسیان، شرف خود را به حساب بنی هاشمی بودن دارا هستند. (عصامی، ۱۹۹۸: ج ۱، ۵۳۲)

شد قمی در «رسائل ثلاث فی نسب اشراف مدینه»، جزئیات متنوعی را در راستای اثبات همین شرایط اشباع ارایه می‌کند که به صورت اختصار و اجمالی در این باب اکتفا می‌کنیم: در بخشی از کتاب وی به صورت مفصل، به استدلال پیرامون نسب طایفه‌ای در اطراف مدینه که با نام یا جعفره، شناخته می‌شدند، می‌پردازد و درصدد یافتن این است که آن جعفری که این قبیله به آن منتسب هستند، جعفر طیار است یا جعفر صادق^(ع) و به طور دایم افرادی را معرفی می‌کند که ممکن است، این طایفه بطنی از آن افراد باشند. (شد قمی، پیشین: ج ۱، ۱۸۱) محتوای این چنینی نشان از سختی کار جعفره برای ایجاد تمایز و کسب اعتبار در مدینه دارد و هم‌چنین رقابت سنگین برای پیش‌رفت اجتماعی در مدینه با توجه به وضعیت نسب ایشان که پیش‌تر به آن پرداختیم، راه را برای ایشان بدون رقیب باقی نمی‌گذاشت. در هر صورت آن‌چه که مشخص است، شلوغی محیط اجتماعی مدینه از قبایل، اشراف، صاحبان نام و فرزندان بزرگانی است، که همگی شرایط شکوفایی و پیش‌رفت را برای جعفره سخت کرده بودند.

رگه‌هایی از نتایج فرهنگی این مهاجرت را که در طولانی مدت خود را نشان داده است، می‌توان در مکانی به نام «زاویه الجعفره» در مرکز استان قنا جست‌وجو کرد.^۱ در پی تمایزی که جعفره، در این محیط بکر ایجاد کردند، رفته رفته به یک گروه و طایفه‌ی شناخته شده تبدیل شده بودند. این محله و رکن به نام جعفره در منطقه پر مراجعه و معروف به نام ابراهیم ادهم باشا است و با سنگ‌های تراشیده شده تزیین شده است و دارای چهار ستون مرمری است. هم‌چنین این محیط معنوی و مورد احترام گردش‌گران و مردم بومی بوده است و برای آن یک چاه و سقاخانه و حجره‌ای در نظر گرفته‌اند. (مبارک، ۲۰۰۸: ج ۶، ۲، ۶۱) هم‌چنین همانند مساجد و امام‌زاده‌های کنون در کشور خود ما، این مکان موقوفه و مغازه‌ای برای کسب درآمد پایدار و اداره امور خود داشته و متولی مشخص و شناخته شده‌ای نیز دارد. در این مکان ضریح شیخ محمد الطیار و شیخ احمد الطیار نیز از نوادگان با فاصله جعفر طیار، قرار دارد. (همان، ۶۱)

از قرن سه و بعد از آن به صورت مداوم در منطقه‌ی صعیید جمعیت کثیری از جعفره طالبی حضور داشته (الطیار، ۱۴۱۹: ۲۶۴) و توانسته بودند، در مناطق مختلف مصر پراکنده شوند و در قالب جمعیت‌های متراکم و معتبر خود را تثبیت کنند. (وردان، ۱۴۲۴: ۱۰۰) حضور در مصر برای جعفره، امکان یارگیری و جذب برخی گروه‌های هم‌فکر را ایجاد کرده بود. هم‌چنین ایشان آمیختگی

۱ طول جغرافیایی ۳۲.۷۱۶۴۷۵ و عرض ۲۶.۱۶۵۴۹۱ کشور مصر، مرکز استان قنا، محدود جنوبی مسجد صلاح الدین.

و اخوت عمیقی با طایفه‌ی بنو زید و بنو طلحه داشتند (حسین خلیفه، ۱۳۶۴ ق: ۳۳) و ازدواج‌هایی میان ایشان شکل گرفته بود و ید واحد‌ای به حساب می‌آمدند. (المقریزی، ۲۰۰۶ م: الف)، (۴۰) از جهت دیگر، خود جعفری‌ها نیز با گروه جعفره منتسب به حضرت جعفر صادق^(ع) که از این پس جعفره صادقی می‌نامیم، در آمیختند. تداخل انساب این دو طایفه‌ی معنون به «جعفره» به علت نزدیکی در نسب، محل زندگی و مشابهت اسمی رخ داده است. (الطیار، پیشین: ۲۶۴) جعفره صادقی در صعيد مصر و در محدوده‌ی اسیوط، مستقر بودند (قلقشندی، پیشین: نون، ۱۲۱) و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، جعفره طالبی نیز، در این منطقه ساکن بوده‌اند. محمد زبیدی در صفحات متعدد کتاب خود، اسامی جعفره طالبی را در همین منطقه صعيد، بیان کرده است (زبیدی، ۲۰۱۲: ۱۰۲) که به صورت اجمال یکسانی محدوده کلی زیست ایشان با جعفره صادقی را ثابت می‌کند.

این آمیختگی به شکلی است، که برخی از پژوهش‌گران معاصر، پس از بیان قیل و قال‌ها به نتیجه‌ای روشنی، در راستای ایجاد تمایز بین ایشان نرسیده است و در عمل، فرقی در انعکاس عمل کرده‌های این دو گروه ایجاد نکرده است و مجموع ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهند. (وردان، پیشین: ۱۰۰) در هر صورت به شکل واضح شاهد موفقیت جعفره طالبی، در راستای تعامل با دیگر گروه‌ها در کوتاه مدت و طولانی مدت هستیم که همگی در پی این مهاجرت و از برکت هجرت به مصر و ترک دیار مدینه بوده است. افزایش مناسبات و تبادلات با دیگر، گروه‌ها در یک منطقه، می‌تواند آورده‌های مثبتی برای طایفه‌های متولی امر داشته باشد و مشارکت در اقدامات را با ضریب نفوذ و موفقیت بیش‌تری همراه کند.

یکی از نشانه‌های نفوذ فرهنگی جعفره در مصر، نام‌گذاری مناطق مختلف به نام ایشان است، برای مثال در نزدیکی فسطاط مصر، در دوران عثمانی منطقه‌ای به نام جعفره منتسب به گروه عربی که در آن‌جا سکونت داشتند، وجود داشته است، که پیش از این نیز، در طول تاریخ نام‌های دیگری داشته و به مناسبت عرب جعفره تغییر نام داده و به عنوان یک منطقه مستقل شناخته می‌شود. (رمزی، پیشین: ج ۱، ۱۱۲) هم‌چنین در استان قنا روستایی با جمعیت بیش از هشت هزار نفر به نام جعفره وجود دارد. در الجزایر نیز شهری به نام جعفره با جمعیت بیش از نه هزار نفر وجود دارد^۱ و جعفره عالمانی نیز از این منطقه داشته‌اند (التعالی الجعفری الفاسی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۰۷) که پیش‌تر به تفصیل بیان شد. جعفره، در حال حاضر نیز در مصر فعال بوده و صرف نظر از موضوع ادغام جعفره

۱ طول جغرافیایی ۳۶.۲۹۳۳۸ و عرض ۴.۶۶۳۲۹۵ حاشیه شمالی کشور الجزایر، جنوب شرقی استان الجزایر.

طالبی و صادقی، برای خود رهبر قبایل مستقل با نقش آفرینی فرهنگی متمایز دارا هستند.^۱

۲.۶. نتایج اقتصادی

یکی از دستاوردهای مهاجرت جعافره به مصر، باز شدن محدوده جغرافیایی برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی در مصر و مغرب بوده است به شکلی که جعافره، در منطقه‌ی ودان در محدوده‌ی لیبی امروزی نیز، مالک اراضی و زمین‌دار بودند و در مناطق مختلف مصر و مغرب منتشر و پخش شدند. (اوپنهایم، پیشین: ج ۲، ۵۸۶) محل سکونت اشراف جعافره شهرهای اسوان تا قوص بوده است. (المقریزی، پیشین: (الف)، ۴۰) گروه بومی این منطقه معروف به اولاد کنز بوده‌اند و جعافره به هنگام ورود به این منطقه توانستند، به همراهی مسالمت‌آمیزی با این طایفه برسند به شکلی که در میان آنان به اشراف جعافره مشهور بودند و جعافره در پی فعالیت‌های هم‌گرایانه در این منطقه، اقتصاد خود را به‌گونه‌ای پیش‌رفت داده بودند که عمده فعالیت شناخته شده ایشان تجارت و بازرگانی معرفی شده است. (ابن خلدون، پیشین: ج ۶، ۷)

عده‌ای از جعافره طالبی از نسل حضرت جعفر بن ابی‌طالب^(ع) نیز پس از ورود به مصر، به ناحیه‌ی صعید رفتند و در اشمونین ساکن شدند و زمانی که صالح بن علی فرمانده سپاه عباسی به فتح صعید پایان داد، اقطاع زیادی در روستاهای اهناس و بهنس به آن‌ها بخشید (الکندی، بی‌تا: ۱۱۷) که در نتیجه، دست این گروه را برای کشاورزی و افزایش کار و فعالیت‌های اقتصادی بازتر می‌کرد. کندی در بیان فضایل مصر، درخت نخلی را که حضرت عیسی^(ع) تحت آن زاییده شد، در همین منطقه خاص اهناس می‌داند. (همان، ۲۰) هم‌چنین در محدوده‌ی شمال غربی قنا و پایین دست نیل، در منطقه دندره (که امروز هم به همین نام است) نیز، نشانه‌ها و گزارش‌هایی از شرفای جعافره تا همین امروز یافت می‌شود که به کشاورزی و کار بر روی زمین از دیر باز فعالیت داشته و دارند. (مبارک، ۲۰۰۸: ج ۱۱، ق ۲، ۱۶۱) افزایش مساحت زمین‌های مستعد کشاورزی نسبت به مدینه، به شکل روشنی کار و فعالیت‌های کشاورزی و زراعتی جعافره را با رونق و رشد مواجه کرده است و بخشی از دستاوردهای اقتصادی این مهاجرت محسوب می‌شود. به علاوه تغییر محدوده‌ی آب و هوایی باعث ایجاد تنوع و خلق فرصت‌های جدید برای کشت گیاهان متفاوت از مدینه شده بود. همان‌طور که در منطقه‌ی دندره در کنار درخت نخل، برای جعافره امکان کاشتن «شجر الدوم»،^۲

۱ اخبار مربوط به عنوان «تهدید جعافره مصر به قیام علیه سلفی‌ها» انتشار یافته در خبرگزاری‌های رسمی معتبر در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴.

۲ در فارسی «شجر الدوم» معادل درخت همیشه سبز یا درخت گنبد نامیده می‌شود و میوه‌های گرد نزدیک به ظاهرا لیمو امانی دارد.

وجود داشته به شکلی که عبور با مرکب از میان درختان این منطقه، بیش از یک ساعت طول می کشیده است. (همان، ۱۶۰) مقایسه‌ی وضعیت اقتصادی جعفره در مدینه و مصر موضوع مستقلی با اقتضائات متفاوت از این تحقیق است، اما آن چه که مشخص است، این است که این طایفه وضعیت رو به رشد اقتصادی را در سازگاری با محیط مصر تجربه کرده و شاید اگر رشد بیش تری نداشته حداقل وضعیت رو به کاهشی و ضغفی را نسبت به مدینه تجربه نکرده است و در زمینه‌های تجارت، کشاورزی و زمین داری در مصر فعال بوده‌اند.

۳.۶. نتایج علمی

ادامه‌ی کار و فعالیت‌های علمی در مصر و مغرب و هم‌چنین رشد و گسترش این فعالیت‌ها، از نتایج علمی این مهاجرت سرنوشت ساز بوده است. نتایج مثبت رونق علمی ایجاد شده از سوی جعفره طالبی، مصر را از طریق ردیابی و معرفی عالمان و اندیشمندان ایشان دنبال می‌کنیم.

شهاب‌الدین احمد بن خالد السلاوی الناصری مورخ بحاثی که نسبش به شیخ محمد بن ناصر درعی منتهی می‌شود. درعی صاحب زاویه درعه در مغرب، سفرنامه مشهور ناصریه را نوشته و از عرب معقل مهاجر به مغرب در قرن پنجم هجری است. (الطیار، پیشین: ۲۶۵) شهاب‌الدین از خانواده‌ای است که متعلق به عبدالله ابن جعفر بن ابی طالب و زیر مجموعه از نسل آن است. سلاوی صاحب کتاب‌های «الاستقصاء لأخبار دول المغرب الأقصى»، «الفلك المشحون بنفائس تبصرة ابن فرحون» و چندین کتاب دیگر است و تاریخ‌دان، ادیب و فقیه بوده است. (زرکلی، پیشین: ج ۱، ۱۲۰) در این جا لازم به ذکر است، که زبیدی در روض المعطار، اعقاب و نوادگان بسیاری را از جعفره، در مصر نام برده است، که از شاخه علی زینبی پسر عبدالله بن جعفر نشأت می‌گیرند (زبیدی، پیشین: ۷۷- ۸۱) و هم‌چنین از دیگر، شاخه‌ی جعفره و اعقاب ایشان سخن به میان آمده است، که به صورت کلی و عمومی صرفاً نام افراد و احیاناً اطلاعات اجمالی ایشان را منعکس می‌کند. با توجه به مساله‌ای که مقاله‌ی حاضر فرایند پاسخ به آن را در پیش گرفته است، پرداختن به محتوای نسب نگاری، خروج از موضوع است. از این رو، از آن‌ها صرف نظر شده است.

محمد بن عبدالظاهر القرشی القوصی با هشت واسطه نسب به اسحاق بن عبدالله ابن جعفر بن ابی طالب می‌رسد که به ذخیره الدین معروف بوده است، فقیهی فاضل و عالم معرفی شده و در دوره‌ی خود در قوص ریاست داشته است. (الادفوی، ۱۹۶۶: ۵۵۸) همان طور که پیش تر گذشت، قوص از

مناطق مهم مهاجرت و اسکان ثانویه فرزندان جعفر، در جنوب قنا و مناطق بالا دستی نیل بوده است.^۱ کمال‌الدین ادفوی نسخه‌های قدیمی را در راستای اثبات علم و فضل این شخص از نوادگان جعفر در مصر، دیده است و بیت او را بیت ریاست و عدالت در قوص توصیف می‌کند و هم‌چنین وی را در دوره‌ای متولی قضا در قاهره دانسته است. (همان)

محمد بن عبدالقادر نیز، در حدود ۸۱۰ هجری در قاهره متولد شده و برای او مجموعه‌ی خطوط و نوشته‌هایی است و در دوره‌ی خود مسؤول امور حج در مصر بوده است. (نجدی، ۱۹۹۶: ج ۳، ۹۵۰) خانه‌ی پدری و خاندان وی در نابلس به «دار هاشم» معروف بوده و نزد بزرگان ایشان خزانه‌های بزرگی از کتاب‌های موروثی از اجدادشان است. ایشان از جعفره بوده است و سعی در افزودن بر شرف خود از طریق سیادت زینبی داشته‌اند. پدر وی به‌طور مداوم، به قاهره سفر می‌کرده و از استادان متعددی درس آموخته، اجازه گرفته و به قضاوت در نابلس مشغول شده است. (همان، ۹۴۹) در مصر نیز، ابوجعفر محمد بن علی از نوادگان اسحاق الاشرف، در رده‌ی شش نسل بعد از عبدالله بن جعفر، کفالت منصب قضا را بر عهده داشته است. (زبیدی، پیشین: ۸۴)

در ادامه، به مناسبت، به سه شخصیت از جعفریان که در پی مهاجرت به بغداد، قزوین و الجزایر تبدیل به رجال سرشناس علمی شده‌اند، به اجمال می‌پردازیم. پرداختن اجمالی به نتایج علمی مهاجرت دیگر عموزادگان جعفره طالبی مصر، دلالت‌هایی بر مهاجرت جعفری‌ها، به دیگر، نقاط و کنش‌گری و سعی در پیش‌رفت در آن مناطق نیز دارد. ابوالقاسم ابن‌الاعلم متولد ۳۷۵ هجری، در بغداد است. از اشراف و از فرزندان جعفر طیار است. وی عالم به علم هیئت بوده و با دربار عضد الدوله آل بویه هم‌کاری‌های علمی داشته است. (زکلی، پیشین: ج ۴، ۲۷۲) ابوالقاسم عبدالعظیم جعفری قزوینی ملقب به سید صدرالدین از عالمان قرن پنجم است. ابن بابویه در کتاب فهرست، او را به پرهیزکاری و فضل توصیف کرده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۹۶) جعفره قزوین، خاندان قدیمی است، که بسیاری از عالمان، امیران و ثروتمندان و دارنده مقامات گرامی از آن بیرون آمده‌اند. (صاحب جواهر، پیشین: ۲۲۰) عبدالرحمان الثعالبی از جعفری‌های هاشمی زینبی در الجزایر، عالم و زاهدی بوده که نویسندگی کتاب‌های «الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، وروضة الأنوار فی الفقه، الأمهات فی أحكام العبادات» و چندین کتاب دیگر را در کارنامه‌ی خود ثبت کرده است. (الثعالبی الجعفری الفاسی، پیشین: ۳۰۷)

۱ استان قوص در جنوب قنا، طول جغرافیایی: ۳۲.۷۵۴۹۸۳ و عرض جغرافیایی: ۲۵.۹۱۸۹۲۵.

۴.۶. نتایج سیاسی نظامی

این مهاجرت، تغییر دهنده‌ی معادلات و به سهم خود تأثیرگذار در نظام قدرت در مدینه و مصر بوده است. مقریزی طایفه‌ای از آنان را در مواردی و البته در برهه‌ای خاص از هم‌پیمانان امویان مروانی دانسته است. (مقریزی، ۱۴۲۲: (ب)، ج ۱: ۶۴۸) عده‌ای از جعفره طالبی، هم‌کاری‌هایی با صالح بن علی؛ فرمانده سپاه عباسی در فتح صعید مصر داشتند. (الکندی، پیشین: ۱۱۷) وی مردی مشهور به شجاعت بود (ذهبی، ۱۴۰۱: ج ۷، ۱۹) و در چند شهر خاص از جمله حلب، زمین و ثروت فراوان داشت. (ابن حزم اندلسی، ۱۹۸۳: ۲۰) فتوحات وی در منطقه‌ی صعید در حدود سال ۱۴۸ هجری، بود و در ۱۵۱ ق، از دنیا رفت. (الذهبی، ۱۹۸۸: ج ۹، ۴۳۷) جعفره، پس از پایان فتوح این منطقه، از وی قطعه زمین‌هایی را جایزه گرفتند. (الکندی، پیشین: ۱۱۲)

از دیگر، هم‌کاری‌های نظامی جعفره طالبی، در نتیجه‌ی این مهاجرت، همراهی و هم‌نشینی با طایفه‌ی جهینه، از بطون قضاچه است. این گروه از منطقه‌ی اسوان تا حبشه را در قالب قبایل متعدد پر کرده بودند و با حبشه و شهرهایش تقابل و درگیری‌هایی داشتند و در لبه‌ی مرز، با ایشان در بحث زمین‌داری، مالکیت تنگاتنگی را ادامه می‌دادند. (ابن خلدون، پیشین: ج ۶، ۷) جهینه قبیله‌ی عظیمی با شاخه‌های زیاد و اکثریت جمعیت عرب در صعید بود و در اواخر قرن پنجم هجری، بین قریش که از جمله آن‌ها جعفری‌ها، بودند و جهینه درگیری‌هایی شکل گرفت. جعفری‌ها توانستند با همراهی دیگر شاخه‌های عرب در منطقه و هم‌چنین به کمک سربازان خلفای فاطمی، جهینه را از مناطق خود اخراج کنند. البته مدتی بعد میان ایشان صلحی حاصل شد. (المقریزی، پیشین: (الف)، ۳۸؛ قلقشندی، پیشین: (ب)، ۲۰۶)

جعفری‌ها، در قرن شش و از حدود ۵۱۰ هجری، در منطقه‌ی خود، امیری می‌کردند و دارای یک رییس مستقل و مشخصی به‌عنوان «رییس الجعفره» بودند (مبارک، پیشین: ۷) و توانسته بودند، در برخی اقدامات نظامی همگی عرب‌ها، منطقه صعید اعلی را با خود همراه کنند. (الطیار، پیشین: ۲۶۲) پیش از این نیز سابقه‌ی یک دستگی جعفری‌های علی یک گروه دیگر، از سوی جعفره ساکن خیبر وجود داشته است. این تجربه درگیری با پیروزی جعفری‌های در مقابل بنوعنزه رخ داده بود و چنین پیشینه‌ای وجود داشته است. (مغیری، پیشین: ۱۵۵) به علاوه این‌که در مدینه به‌صورت کلی در دفعات متعددی شاهد قیام‌های متحدانه‌ی درعلویان یا هاشمیان علیه بنی امیه نیز بوده‌ایم. چنین ایده و سبک زندگی اشراف‌گونه و گردآونده‌ای در ذهن و زندگی این گروه وجود داشته و چنین فرآیندی را دیده و تجربه کرده بودند. هم‌چنین جعفره، در مدت تمرکز جمعیتی در مدینه و عربستان نیز درگیری‌های شخصی و گروهی با طرف‌های متنوع، کم نداشته است و در این زمینه بد طولایی دارند. (مبارک، پیشین: ۸۰؛ جاسر، پیشین: ج ۳، ۸۹۴)

بخشی از جعفره طالبی، در مصر فرزندان علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب هستند. حضرت زینب کبری^(س) مادر علی مذکور است. از این رو، بنو علی، به «الزینبه» معروف شده‌اند و از زینبه عشیره معروف «بنی ثعلب» منتسب به ثعلب حجازی شکل گرفته است، که با هفت واسطه نسب به علی که نوهی جعفر طیار است، می‌رسد. (المقریزی، پیشین: (الف)، ۴۰) حصن الدین ثعلب، از اشخاص معروف و مشهوری در نسل‌های بعدی جعفری‌ها است، که در قرافه مقبره‌ای برای خاندان خود از جعفره ساخته که به اسم «مشهد السادات الثعالیه» مشهور است. (سخاوی، ۱۴۰۶: ۳۴۸) این تربت خانوادگی، در حال حاضر نیز، پابرجا است. قرافه در واقع بخش قدیمی و تاریخی قبرستان قاهره است. جامع قرافه، در اوایل به مسجد قبه شناخته می‌شد و از قرن نهم هجری، به بعد، به مسجد القرا شناخته شده و معروف است. (المقریزی، پیشین: (الف)، ۳۰۴) این مقبره در نزدیکی قبر شافعی که در ۲۰۴ فوت کرده بنا شده است. (مقریزی، پیشین: (ب)، ۳۷) الشریف حصن الدین ثعلب بن یعقوب الجعفری الزینبی از ذریه عبدالله بن جعفر طیار و در زمان خود، یکی از امیران دولت ایوبی و امیر حج مصریان بوده است. (سخاوی، پیشین: ۳۴۸)

حصن الدین، شخصی است، که در مقابل سلطنت ترک‌ها در زمان عزالدین آیبک ترکمانی و در حدود ۶۵۰ هجری، علیه ترک‌ها قیام می‌کند. (حسین خلیفه، پیشین: ۳۳) وی مکاتبه‌ای با الناصر یوسف بن العزیز؛ آخرین پادشاه ایوبی داشته است، که عزالدین خبردار شده و نیرو اعزام کرد و کار به جنگ کشید، در این قیام، عرب‌های مصر، دور حصن الدین جمع شدند، ولی در محاربه‌ای وی به دست فارس الدین أقطای المستعرب اسیر و در اسکندریه زندانی شد. (مبارک، پیشین: ۷) فرد معروف دیگر خاندان ثعالیه جعفری، امیر الکبیر الشریف فخرالدین اسماعیل نام دارد و یکی از امیران مصر در دولت ایوبی بوده است. (مقریزی، پیشین: (ب)، ۳۶) وی فرزند حصن الدین که پیش‌تر ذکر آن گذشت، است و در زمان خود منسب امیر حجاج و زایران را پس از پدر به ارث می‌برد. (زبیدی، پیشین: ۱۰۳) هم‌چنین مقریزی درباره‌ی وی حکایت مفصلی نقل می‌کند که فقیهی در خواب از زبان رسول خدا^(ص) حل مشکل خود را در دست مردی از اهل بیت^(ع) می‌بیند و طی فرآیندی به سمت وی هدایت می‌شود. شریف ثعلبی، پس از آگاهی و اطلاع از موضوع به شکرانه‌ی این روایا املاک زیاد و وسیع خود را وقف کرده و صدقه می‌دهد. (مقریزی، پیشین: (ب)، ۳۸) وی «المدرسه الشریفیه» را در محله‌ی جودریه‌ی قاهره وقف کرده و ساخته است. (همان، ص ۲۱۶). از جمله تبعات و پیامدهای منفی مهاجرت و اسکان فرزندان جعفر یا جعفره در مصر، حمله بدر الجمالی بود. در پی اصلاحاتی که بدر الجمالی به دستور مستنصر در مصر، روی دست گرفته بود، حملاتی شدیدی نیز به عرب‌های صعید و از جمله، به جعفره شد، که باعث کشته شدن عده‌ی کثیری از ایشان نیز شد. (صالح، ۱۴۲۸: ۴۲۴)

نتیجه

جعفره طالبی در مصر، شاخه‌ها و بطون بسیار متنوع و پیچیده‌ای را پس از مهاجرت تا قرن‌ها بعد و حتی عصر حاضر ایجاد کرده‌اند. همان‌طور که جلوه‌ای از این درهم‌تنیدگی انساب ایشان را مقریزی در البیان منعکس کرده است. (المقریزی، ۲۰۰۶ء: ۴۰ تا ۴۳) مقاله‌ی حاضر جایی برای ردگیری ازدواج‌ها و ترکیبات فرزندان علی بن عبدالله بن جعفر طیار نداشته است و سعی در گل‌چین نتایج مهاجرت و انتقال جعفره طالبی، در یک محدوده‌ی زمانی خاص، (قرن سه الی ششم هجری) داشته است. نگارنده، مهاجرت فرزندان جعفر یا جعفره را به مصر، به‌عنوان راهبرد نجات بخش و راهیابی برای احیای حیات سیاسی - اجتماعی جعفره طالبی، به‌عنوان یکی از اشراف منتسب به بنی هاشم و قریش می‌داند. نتایج و پیامدهای مهاجرت، نیز، در عرصه‌های قدرت، فرهنگ، علم و اقتصاد مصر ارایه شد. روشنی راه پیموده شده مهاجرت توسط جعفره طالبی راه امیدوارانه‌ای را برای تطبیق الگوی مهاجرت با وضعیت کنون شهرهای پرجمعیت معاصر ما پیش‌رو، قرار داده و به زنده بودن راه و فکر جعفر طیار و روزنه‌هایی برای اتحاد و ایجاد مناسبات با فرزندان وی در نقاط مختلف جهان دلالت دارد. ایده‌ها و موضوعات مستعد پژوهش در آینده:

۱. استخراج الگوی «مهاجرت ایده آل» با مطالعه و مقایسه مهاجرت‌های فرزندان جعفر و حسنین در قرن دوم و سوم هجری.
۲. کارکردهای «مهاجرت مطلوب» با تکیه بر اهداف و نتایج مهاجرت جعفری‌ها از مدینه به دیگر، نقاط جهان اسلام.
۳. بررسی تطبیقی تکنیک‌های برون رفت از محیط اشباع و درگیری، با بررسی تطبیقی مهاجرت هاشمیان از منقطه نفوذ عباسیان.
۴. روش‌ها و راه کارهای ایجاد انگیزه برای مهاجرت از شهرهای بزرگ بر اساس الگو و تجربه‌ی مهاجرت مسلمانان صدر اسلام به حبشه و مدینه.
۵. ایجاد الگوی مهاجرت ایده آل از استان تهران، بر پایه تجربه تاریخی مهاجرت‌های اقوام مختلف از مدینه در سه قرن نخست اسلامی.
۶. مکان‌شناسی جغرافیای انسانی جعفره طالبی در جهان اسلام از قرن دو تا هفت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اسحاق، محمد (۱۳۶۸ ش / ۱۴۱۰ ق)، السیر و المغازی، محقق؛ سهیل زکار، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول.
۲. ابن بابویه رازی، منتجب الدین (۱۳۶۶ ش) فهرست منتجب الدین، تصحیح جلال الدین محدث ارموی و محمود مرعشی نجفی، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م)، جمهرة أنساب العرب، تحقیق؛ لجنة من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م)، تاریخ ابن خلدون، تصحیح سهیل زکار و خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م)، الطبقات الكبرى، محقق؛ محمد عبدالقادر عطا، بیروت، الکتب العلمیه، چاپ اول.
۶. ابن عنبه، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م)، عمدة الطالب في أنساب آل ابي طالب، قم، موسسه انصاریان للطباعة و النشر.
۷. ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م)، النسب، با مقدمه و تحقیق؛ سهیل زکار، و مریم محمد خیر درع، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
۸. ابن هشام الحمیری، عبدالملک بن هشام (۱۹۶۳ م)، السیره النبویه، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
۹. ابوالفرج الاصفهانی، علی بن حسین (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق؛ سید احمد صقر، النجف الأشرف، منشورات المکتبه الحیدریة و مطبعتها.
۱۰. الأذفوی، ابوالفضل کمال الدین جعفر بن ثعلب (۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م)، الطالع السعید الجامع اسماء نجباء الصعید، تصحیح؛ سعید محمد حسن، قاهره، الدار المصریه للتألیف و الترجمة.
۱۱. اوپنهایم، ماکس فرایر فون، برونیلش، آرش، فرنرکاسکل (۲۰۰۷ م)، البدو. مترجمان؛ میشل کیلو و محمود کبیو، با مقدمه و تحقیق ماجد شبر، لندن، دار الوراق للنشر.
۱۲. بسام، محمد بن حمد (۱۹۸۱ م)، الدرر المفخر فی اخبار العرب الاواخر (قبائل العرب)، محقق؛ سعود بن غانم جمران عجمی، کویت، مکتبه الکویت الوطنیه اثناء النشر، چاپ دوم.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، بن جابر (۱۳۹۷ ق)، أنساب الأشراف، محققان؛ احسان عباس، عبدالعزیز دوری، محمدباقر محمودی و محمد حمیدالله، بیروت، دار المعارف.
۱۴. پاک آیین، محسن و غریب زاده، الناز (۱۳۹۰ ش)، تاریخچه محبت اهل بیت (ع) در آفریقا و اروپا، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.

۱۵. الثعالبي الجعفري الفاسي، محمد بن الحسن الحجوي (۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م)، الفكر السامي في تاريخ الفقه الإسلامي، بيروت، دار الكتب العلميہ، چاپ اول.
۱۶. جاسر، حمد (بی تا)، المعجم الجغرافي للبلاد العربية السعودية، ریاض، دار الیمامه للبحث و الترجمة و النشر.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۷ ش)، مقالات تاریخی، قم، انتشارات دلیل ما.
۱۸. جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۱ ش)، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی (زنده در ۵۶۰ ق)، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۱۹. حداد عادل، غلام علی، پور جوادی، نصرالله، میرسلیم، مصطفی، و طاهری عراقی، احمد (۱۳۷۵ ش)، دانش نامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۲۰. حسین خلیفه، حسن احمد (۱۳۲۴ ق)، «عرب السودان و الصحراء الشریقه»، مجله الرساله، شماره ۶۴۰.
۲۱. الحسینی الزبیدی، محمد مرتضی (۲۰۱۲ م)، الروض المعطار فی نسب السادة آل جعفر الطیار، محقق: عبدالله بن محمد آل حسین، الكويت، دیوان الأشراف، چاپ اول.
۲۲. الحموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت (۱۹۷۹ م)، معجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۲۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۱ - ۱۴۰۹ ق: الف)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، چاپ شعيب ارزووط و دیگران.
۲۴. _____ (۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م: ب)، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۴۱ - ۱۶۰ ق)، بیروت، دار الكتب العربی.
۲۵. رجایی، سید مهدی (۱۳۸۵ ش / ۱۴۲۷ ق)، المعقبون من آل ابی طالب^(ع)، قم، موسسه عاشورا.
۲۶. رمزی، محمد (۱۹۹۴ م)، القاموس الجغرافي للبلاد المصریه من عهد قدما المصریین إلى سنه ۱۹۴۵، [بی جا]، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
۲۷. رمضان گل افزانی، صادق (۱۳۹۰ ش)، گسترش اسلام در سودان (از قرن ۱۰ - ۱۴ هـ ق). تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول.
۲۸. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹ م)، الأعلام (قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعرب و المستشرقین)، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ هشتم.
۲۹. سبط ابن الجوزي، یوسف بن قزواغلی (۱۴۲۶ ق)، تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمه، تحقیق: حسین تقی زاده، المجمع العالمي لاهل البيت^(ع)، مرکز الطباعة و النشر.

۳۰. السخاوی، علی بن احمد (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م)، تحفه الأحياب و بغية الطلاب، قاهره، مكتبة الكليات الأزهرية، چاپ دوم.
۳۱. شد قمی حسینی، بدرالدین حسن بن علی (۱۳۸۱ ش)، الرسائل الثلاث المستطابه في نسب سادات طابه زهر المقول في نسب ثاني فرعي الرسول (ص) و نخبه الزهره الثمينه في نسب أشراف المدينه، محقق مهدي رجایی، زیر نظر محمود مرعشی نجفی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی^(۵)، چاپ اول.
۳۲. صاحب جواهر، عبدالعزيز. [بی تا]، دائره المعارف الاسلاميه ايران و همگی معارف شيعه اماميه اثني عشریه. [بی جا]، [بی نا].
۳۳. صالح، حسن محمد (۱۴۲۸)، التشيع المصري الفاطمي، بيروت، دار المحجبه البيضاء.
۳۴. الطبري، محمد بن جرير (۱۳۹۴)، تاريخ الطبری (تاريخ الرسل والملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اسایر، چاپ اول.
۳۵. الطيار، جعفر بن احمد (۱۴۱۹)، «الجغريون: فروعهم و نبذہ من اخبارهم»، دومهنامه العرب، سال سی و چهارم، رمضان و شوال.
۳۶. العزاوي المحامي، عباس (۱۴۲۵ ق)، موسوعة عشائر العراق، بيروت، الدار العربية للموسوعات.
۳۷. عصامي، عبدالملك بن حسين (۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م)، محققان؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، سمط النجوم العوالي في أنباء الاوائل و التوالي، بيروت، دار الكتب العلمية.
۳۸. عمری، علی بن محمد (۱۳۸۰ ش / ۱۴۲۲ ق)، المجدی فی انساب الطالبین، مصحح سید مهدي رجایی، محقق احمد مهدي دامغانی، زیر نظر محمود مرعشی نجفی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی^(۵).
۳۹. فاسی، ابوالطیب تقی الدین محمد بن احمد (۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م)، العقد الثمين في تاريخ البلد الأمين. محققان؛ احمد عطا و محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
۴۰. القبادياني المروزي، أبو معين الدين ناصر خسرو الحكيم (۱۹۸۳ م)، سفرنامه ناصر خسرو قبادياني مروزي، يحيى الخشاب، بيروت، دار الكتاب الجديد.
۴۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگي درس های از قرآن، چاپ یازدهم.
۴۲. قلقشندی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق)، الف: نهايه الارب في معرفه أنساب العرب، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
۴۳. _____ (بی تا)، ب: صبح الأعشى في صناعة الإنشا، شرح محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.

۴۴. الکندی، ابو عمر محمد بن یوسف (بی تا)، الف: کتاب الولات و کتاب القضاة، مصحح: روفون گست، قاهره، دار الكتاب الإسلامي، چاپ اول.
۴۵. _____ (۱۴۱۷ ق)، ب: فضائل مصر المحروسة، قاهره، مكتبة الخانجي، چاپ اول.
۴۶. لشنی، فوزیه و ذیلابی، نگار (۱۳۹۹)، «علویان در مصر پیش از استقرار فاطمیان»، فصل نامه مطالعات تاریخ اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۶، پاییز.
۴۷. مانع، جابر جلیل (۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۸ م) الأحواز. بیروت، الدار العربیة للموسوعات.
۴۸. مشرفی، محمد بن محمد (۲۰۰۵ م)، الحلل البهیة فی ملوک الدولة العلویة و عد بعض مفاخرها غیر المتناهیة، تحقیق: ادیس بوهلیله، رباط المغربیة، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامیة، چاپ اول.
۴۹. مبارک، علی پاشا (۲۰۰۸ م)، الخطط التوفیقیة الجدیة لمصر و القاهره و مدنها و بلادها القدیمة و الشهیره، قاهره، الهیئة المصریة العامه للكتاب.
۵۰. مغیری، سعید بن علی (بی تا)، با مقدمه علی مدنی و صبح السید، المنتخب فی ذکر قبائل العرب، جده، دار المدنی، چاپ اول.
۵۱. المقدسی (البشاری)، محمد بن احمد شمس الدین (۳۷۵ ق)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، بیروت، دار صادر.
۵۲. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، البدء و التاریخ، قاهره، مكتبة الثقافة الدینیة، چاپ اول.
۵۳. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۲ ق)، المواعظ و الإعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
۵۴. المقریزی، احمد بن علی (۲۰۰۶ م)، البیان و الاعراب عما بارض مصر من الاعراب، المكتبة الازهریة للتراث.
۵۵. _____ (۱۴۲۳ ق)، درر العقود الفریده فی تراجم الأعیان المفیده، محقق: محمود جلیلی، بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ اول.
۵۶. مهري کرکوکي، محمد (۱۳۳۲ ق)، رحلة مصر و السودان، مطبعة الهلال، چاپ اول.
۵۷. ناصری، احمد بن خالد (۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م)، الطلعة المشتری فی النسب الجعفری، رباط المغربیة، الموسسه الناصریة للثقافة و العلم.
۵۸. النجدی المکی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م)، السحب الوابلہ علی ضرائح الحنابلہ، تصحیح ابوزید بکر بن عبدالله و عبدالرحمان بن سلیمان عثیمین، بیروت، موسسه الرسالہ، چاپ اول.
۵۹. واقدی، محمد بن عمر (بی تا)، فتوح الشام، بیروت، دار الجیل، چاپ اول.

۶۰. ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷ ش)، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۶۱. وردانی، صالح (۱۳۸۲ ش / ۱۴۲۴ ق)، شیعه در مصر از امام علی^(ع) تا امام خمینی^(ه)، ترجمه عبدالحسین بینش قم، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی، چاپ اول.
۶۲. الیعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲ ق)، البلدان، محقق / مصحح: محمد امین ضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

وب‌گاه

۶۳. سایت مکان نمایی جهانی: گوگل مپ
۶۴. خبرگزاری قدس، به آدرس: <https://qodsna.ir>
۶۵. ویکی پدیا فارسی / <https://fa.wikipedia.org>